



## تعمیق روابط نظامی-امنیتی

در این مقطع، فرانسه پیشروی کمک امنیتی و نظامی به اسرائیل بود. به عنوان نمونه مرکز تحقیقات هسته‌ای نیگو در حاشیه شهر دیمونا با کمک گسترده مهندسان فرانسوی در سال ۱۳۳۷ تأسیس شد و رآکتورهای آب سنگین آن در سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۳ آغاز به کار کرد. اعتقاد بر این است که اسرائیل اولین سلاح هسته‌ای خود را تا سال ۱۳۴۶ تولید کرده است. این تأسیسات در اوایل دهه چهل توسط ایالات متحده کشف شد و اولین بار توسط وزارت خارجه آمریکا در زمستان سال ۱۳۳۹ به صورت رسمی مورد توجه قرار گرفت. اما با انتخاب جان اف. کندی در دی‌ماه ۱۳۳۹ به عنوان رئیس جمهور، نه تنها پس از چندی آمریکا توانایی هسته‌ای اسرائیل را به رسمیت شناخت، بلکه اردیبهشت ۱۳۴۰، اولین دیدار نخست وزیر اسرائیل و رئیس جمهور آمریکا نیز برگزار شد. کندی آغازگر برقراری روابط امنیتی با اسرائیل بود؛ روابطی که از جمله نقاط عطف آن، دیدار ششم دی‌ماه ۱۳۴۱ کندی با وزیر خارجه صهیونیست‌ها، گلدای مایر بود. کندی در اردیبهشت ۱۳۴۲ در یک سخنرانی رسمی اعلام کرد که در صورت جنگ، ایالات متحده از طرف اسرائیل مداخله خواهد کرد. او بنیانگذار اتحاد نظامی آمریکا و اسرائیل بود. امام خمینی در شهریور ۱۳۴۱، هشدارهای خود درباره خطر اسرائیل را آغاز کرد و در ادامه به یکی از اصلی‌ترین هشدارهای ایشان به حکومت ایران و جهان اسلام تبدیل شد.

با تغییر رئیس جمهور آمریکا، در خرداد ۱۳۴۳ لیندون جانسون به صورت رسمی از لوی اشکول نخست وزیر وقت اشلگالگران قدس دعوت کرد به آمریکا برود. این دعوت منجر به امضای یک یادداشت تفاهم محرمانه شد که مبنای رویه‌ای جدید گشت. از آن پس تا کنون کمک‌های آمریکا به اسرائیل در چهارچوب یک یادداشت تفاهم تنظیم می‌شود که هر چند سال یک بار مجدداً امضا می‌شود. در این میان، حمله اسرائیل به ناو اطلاعاتی یواس اس لیبرتی نیروی دریایی ایالات متحده در ۱۸ خرداد ۱۳۴۶ در هنگامه جنگ شش روزه، به چالشی تبدیل شد که اگر میان هردو کشور دیگری بود، پیامدهای عمیق برجای می‌گذاشت. چرایی آن شلیک و پیامدهایش همچنان از موضوعات مورد توجه رسانه‌هاست. با این حال، روابط دو کشور همچنان رو به گسترش پیش رفت.

تحریم نفتی اعراب علیه حامیان اسرائیل، منجر به کاهش حمایت فرانسه از اسرائیل شد. دقیقاً در این مقطع بود که آمریکا گام بلندی برای ایجاد یک اتحاد راهبردی بدون مشابه با اسرائیل برداشت.

سال ۱۳۴۷ بود که هواپیماهای فانتوم آمریکا به اسرائیل فروخته شد، معامله‌ای که جانسون رئیس جمهور وقت آمریکا شخصاً در آن شرکت کرد. اولین محموله هواپیماهای فانتوم در شهریور ۱۳۴۸ به سرزمین‌های اشغالی وارد شد.

## بهای حق السکوت ویلسون

ساموئل آنترمایر یهودی اشکنازی ساکن در آمریکا که مدتی نیز ریاست «صندوق فلسطین» را بر عهده داشت، به یهودیانی که برای اقامت به سرزمین فلسطین می‌رفتند، کمک مالی می‌کرد؛ او با شکایتی از هنری فورد مؤسس کارخانه اتوموبیل سازی فورد به خاطر چاپ کردن کتاب پروتکل بزرگان صهیون در آمریکا موفق به جمع‌آوری کتاب وی شد و اقدامات مشابه زیادی برای تقویت صهیونیسم داشت.

آنترمایر تنها مدت اندکی پس از انتخاب ویلسون به عنوان رئیس جمهور ایالات متحده در دی‌ماه سال ۱۹۱۹، طی یک ملاقات با او، حاضر شد حق السکوت زنی را که مدعی داشتن رابطه نامشروع با ویلسون به عنوان استاد در دانشگاه پرینستون را داشته است، بپردازد و در عوض این حق السکوت سنگین، لوئیس براندیس را به عنوان ریاست دیوان عالی ایالات متحده منصوب نماید. این فرد رئیس کمیته اجرایی امور صهیونیسم در ایالات متحده بود و بالاخره ۱۱ خرداد ۱۹۲۵ با کسب ۴۷ رأی از مجلس سنا، براندیس به عنوان نخستین یهودی موفق شد بر یکی از کرسی‌های دیوان عالی ایالات متحده آمریکا بنشیند و تا ۲۲ سال بعد در آن باقی بماند.

## آغاز الگوی لابی من ارشد

براندیس در نوشته‌های خود از «حق یهودیان برای داشتن یک کشور» می‌نوشت و بر اثر دوستی خود با رئیس جمهور وقت آمریکا، ویلسون، توانست حمایت ایالات متحده از بیانیته بالفور در سال ۱۹۱۹ را به دست آورد. او از دوستان دیوید بن گوریون بود و در دوره اقدامات او برای ایجاد اسرائیل با سرکوب شدید فلسطینیان، ارتباط پیوسته داشت و حتی در حمایت از تأسیس یک دولت یهودی به فلسطین سفر کرد. هنگامی که در سال ۱۳۲۵، کمیسیون پیل در انگلستان طرحی برای تشکیل یک دولت یهودی با جدا شدن ۲۰ درصد از خاک فلسطین ارائه داد (چیزی در حدود مساحت منطقه در اختیار تشکیلات خودمختار فلسطین)؛ در حالی که گلدای مایر و بن گوریون از این طرح بسیار راضی بودند، او به روزولت فشار آورد تا مخالف این طرح باشد و نگذارد به این مقدار کفایت شود.

با وجود جایگاه قضایی بالای او، نفوذ زیادی که داشت و تأثیری که در افزون طلبی صهیونیست‌ها در روند مذاکرات بین‌المللی در غرب برای تأسیس یک دولت ایفا کرد اما در این دوره هنوز بازیگران اصلی برای جعل اسرائیل، انگلستان و فرانسه بودند و آمریکا در

# در جلب حمایت امریکا در فتندهای صهیونیست‌ها



تحریم نفتی اعراب علیه حامیان اسرائیل، منجر به کاهش حمایت فرانسه از اسرائیل شد. دقیقاً در این مقطع بود که آمریکا گام بلندی برای ایجاد یک اتحاد راهبردی بدون مشابه با اسرائیل برداشت

این روزها خبرهایی که حکایت از حمایت باورناپذیر آمریکا از جنایات رژیم صهیونیستی دارد، در کنار اخباری که بیانگر نقش مدیریت در صحنه برای آمریکا است، این سؤال را پدید می‌آورد که چرا اسرائیل برای آمریکا تا این اندازه مهم است؟

این سؤال وقتی بارزتر می‌گردد که به یاد آوریم اگرچه آمریکا از اصلی‌ترین حامیان تشکیل یک دولت دست‌ساز به نام اسرائیل در منطقه تاریخی فلسطین بوده است؛ اما آنچه امروز از آن به عنوان روابط راهبردی اسرائیل آمریکا یاد می‌شود از ابتدا نبوده است و ۱۴ سال پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و افزایش حضور آمریکا در منطقه غرب آسیا شکل گرفته است. برای یافتن این پاسخ، ضروری است مسیر تحول روابط آمریکا و دولت ساختگی اسرائیل را مرور کنیم.

